اصلاحات و اصلاح طلبی انقلابی و آمریکایی
«از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله)»

اصلاحات آمریکایی مثل اصلاحات رضاخانی است

۴- حفظ ساختار قانون اساسی بطور دقیق در اصلاحات

مطلب چهارم، حفظ ساختار قانون اساسی در زمینهٔ اصلاحات است. البته در قانون اساسی، بیشتر از همه چیز، نقش اسلام و منبعیّت و منشأیّت اسلام برای قوانین و ساختارها و گزینشها مطرح است. ساختار قانون اساسی بایستی به‌طور دقیق حفظ شود. شما نگاه کنید ببینید دشمن چگونه با قانون اساسی ما برخورد می‌کند: گوشه‌ای از قانون اساسی را نفی می‌کند، گوشه‌ای را اثبات می‌کند؛ یک جا به قانون اساسی تمسّک می‌کند، یک جا علیه‌اش حرف می‌زند! قانون اساسی میثاق بزرگ ملی و دینی و انقلابی ماست. اسلام- که همه چیز ما اسلام است- در قانون اساسی تجسّم و تبلور پیدا کرده است. اصل چهارم قانون اساسی تکلیف همه چیز را روشن کرده است. اگر در قوانین عادی - حتی در خود قانون اساسی - یک جا اصلی یا قانونی وجود داشته باشد که در مقام اجرا یا در مقام قانون‌گذاری، با این اسلامیّت معارضه پیدا کند، این اصل بر آنها حاکم است؛ حکومت به معنای مصطلح اصولی و علمیِ حوزه‌های علمیّه. البته این گفتن نداشت؛ اگر هم نمی‌گفتند، حکومتش واضح بود، اما به این حکومت تصریح کرده‌اند. بنابراین ساختار قانون اساسی بایستی بطور کامل در اصلاحات حفظ شود.

۵- مقابله با تندرویها در اصلاحات

مطلب پنجم، مقابلهٔ جدّی با هرگونه تندروی و تندروانی است که جاده صاف کن دشمن‌اند؛ یعنی مدلِ یلتسینی! همهٔ دستگاهها باید با مدل یلتسینی بشدّت مقابله کنند و نگذارند یک جاه‌طلب، یک فریب خورده، یک مُغرض و یک غافل بیاید و حرکت را از حالت صحیحِ خودش خارج کند و حالت مسابقه و حالت تعارض به‌وجود بیاورد.

۶- مقابله جدّی با دخالت غربیها در اصلاحات و روند آن

مطلب ششم، مقابله جدّی با دخالت خارجیها و غربیها و بی‌اعتنایی به انگشت اشارهٔ غربیها و سوءظن به آنهاست. البته بحث دیپلماسی و بحث ارتباطات خارجی، بحث دیگری است. انسان در مقام دیپلماسی، می‌دهد، می‌گیرد، قرارداد می‌بندد و همه کار می‌کند؛ اما در مسائل اساسی نظام، بایستی انگشت اشارهٔ آنها را با سوءظن مورد ملاحظه قرار داد؛ بعکسِ آنچه که آدم در وضعیت گورباچف مشاهده می‌کند. آنها به هیچ وجه حسن نیّت ندارند. ما در جنگ هشت ساله دیدیم که تمام اروپا به صدّام کمک کرد؛ فرانسه کمک کرد، آلمان کمک کرد،انگلیس کمک کرد، یوگسلاویِ سابق کمک کرد، بلوک شرقِ آن روز کمک کرد. البته ما هیچ وقت در مقام دیپلماسی نمی‌گوییم که چون شما به صدّام کمک کردید، ما با شما رابطه‌مان را قطع می‌کنیم؛ نه، عالم دیپلماسی یک عالم دیگر است. همین تشنّج‌زدایی‌ای که امروز در بحث سیاست خارجی ما مطرح می‌شود، مورد تأیید ماست. باید تشنّج‌زدایی شود، اما تشنّج‌زدایی غیر از این است که کسی به آنها اعتماد پیدا کند؛ نه، او هم به ما اعتماد ندارد؛ ما هم به او اعتماد نداریم. کسانی که در زمینهٔ مسائل دیپلماسی فعّال‌اند، کاملاً می‌فهمند که بنده چه عرض می‌کنم. اصلاً میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است؛ منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد! وجود ارتباطات دیپلماتیک، هرگز نباید به معنای اعتماد به دشمن تلقّی شود؛ نباید اعتماد کرد.

۷- هماهنگی در اصلاحات بخشهای مختلف کشور

مطلب هفتم، هماهنگی اصلاحات در بخشهای مختلف است. این نکته مهم است. ببینید عزیزان من! در بعضی از بخشها، اصلاحات، پیچیده و دشوار و کُند است. مثلاً در بخش اقتصادی،

*** اصلاحات جزوِ مبانی اصولگرایی است. من به نظرم در سفر کرمان، با جوانها و مجموعهٔ دانشجوها و دانشگاهیها که روبه‌رو شدم، گفتم که اصلاحاتِ اصولگرایانه و اصولگرایی مصلحانه در هم تنیده هستند.**

کار بسیار کُند انجام می‌گیرد؛ توزیع عادلانهٔ درآمدها نیز همین‌طور است؛ کارِ بسیار سختی است؛ کار آسانی نیست. ریشه‌کن کردن فقر و رسیدگی به مناطق محروم، همهٔ اینها جزوِ اصلاحات است. اصلاح ساختار اداری، کار بسیار دشوار و پیچیده و سنگینی است؛ اینها دیر پیش می‌رود. در بخش معادل گلاسنوست آقای گورباچف نه، کار آسان است؛ در یک روز هم می‌شود به بیست روزنامه مجوز داد تا منتشر شوند. این می‌شود ناهماهنگ؛ این‌طوری نمی‌شود؛ باید هماهنگ حرکت کنیم؛ باید پابه‌پای بخشهای دشوار حرکت کنیم. این‌که بنده تأکید می‌کنم مسئله معیشت اولویّت دارد، یک بخش عمده‌اش به خاطر این است؛ چون بخش معیشت، بخش مشکلی است. همهٔ نیرویتان را که شما جمع کنید، با همهٔ صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی هم که کار کنید، سرعت خاصی خواهید داشت؛ بقیهٔ بخشها را هم باید با همان سرعتِ حرکت دهید. اگر این سرعتِ برابر و هماهنگ را رعایت نکردید، آن وقت مشکلاتِ بسیار اساسی‌ای پیش می‌آید که البته بعضی از آنها قابل محاسبه است، برخی دیگر قابل محاسبه نیست؛ از آنهایی که قابل محاسبه است، بعضی قابل پیش‌گیری است، برخی قابل پیش‌گیری هم نیست.

۸- مقابلهٔ جدّی با عوامل تجزیهٔ قومی تحت لوای اصلاحات

مطلب هشتم، مقابلهٔ جدّی با عوامل تجزیهٔ قومی در کشور

*** آن اصلاحاتی که بخواهد با معیار امریکایی در کشور انجام بگیرد، مثل همان اصلاحات رضاخانی است. می‌دانید که رضاخان در مهم‌ترین بخشها و سالهای سلطنتش، شعارش اصلاحات بود! همهٔ این فجایع و جنایاتی که شما در دورهٔ رضاخان سراغ دارید، تحت نام و زیر پرچم اصلاحات انجام گرفته است.**

***

است. من این را عرض می‌کنم؛ بخصوص خطاب من به کسانی است که در این بخش صاحبان مسئولیت‌اند؛ چه در وزارت کشور، چه در جاهای دیگر. توجه کنید؛ امروز انگیزهٔ تحریک قومیتها جدّی است. مسئولان ذی‌ربط ما که می‌خواهند دنبال مسائل بگردند، این را می‌بینند. همهٔ اقوام ایرانی به ایران و جمهوری اسلامی علاقه‌مندند و ایران را میهن خودشان می‌دانند. بنده پیوندم با منطقهٔ ترک نشین معلوم است. مدتها در منطقهٔ بلوچ نشین زندگی کرده‌ام و از نزدیک با عناصر بلوچ ارتباط داشته‌ام؛ با بعضی از بخشهای دیگر هم ارتباطات دور و نزدیک داشته‌ام؛ با آنهایی هم که ارتباط نداشته‌ام، از آنها اطلاعاتی دارم که کم نیست. می‌دانم روحیه‌شان چیست. من در دورهٔ مسئولیتهای مختلف، سفرهای فراوانی به میان اینها کرده‌ام. اقوام ایرانی مسلمان‌اند و به این آب و خاک دلبسته‌اند؛ عزّت و رفاه خودشان را در ایرانِ سربلند و آزاد مشاهده می‌کنند، اما دشمن مشغول تحریکات است. تحریکات دشمن را نباید دست کم گرفت. مراقب باشید. این از جمله مسائل بسیار مهم است و احساس می‌شود که دستهایی در جریان هستند برای این‌که زِمام این کار را از دست دولت خارج کنند. البته در آن صورت اگر خدای نکرده چنین وضعی پیش بیاید، مشکلات پیش خواهد آمد؛ پول، همّت و وقت صرف آن خواهد شد و مسئولان کشور از کارهای اساسی باز خواهند ماند.(۱۳۲)

۹- اصلاحات با معیار اسلامی ایرانی، نه فرهنگ و معیار آمریکایی غربی

اصلاحات جزوِ مبانی اصولگرایی است. من به نظرم پارسال بود که در سفر کرمان، با جوانها و مجموعهٔ دانشجوها و دانشگاهیها که روبه‌رو شدم، گفتم که اصلاحاتِ اصولگرایانه و اصولگراییِ مصلحانه در هم تنیده هستند. آن اصلاحاتی که بخواهد با معیار امریکایی در کشور انجام بگیرد، مثل همان اصلاحات رضاخانی است. می‌دانید که رضاخان در مهمترین بخشها و سالهای سلطنتش، شعارش اصلاحات بود! همهٔ این فجایع و جنایاتی که شما در دورهٔ رضاخان سراغ دارید، تحت نام و زیر پرچم اصلاحات انجام گرفته است؛ اسناد بازماندهٔ از دورهٔ رضاخان را بخوانید. افراد را برکنار می‌کردند، چون می‌گفتند اینها ضداصلاحات‌اند؛ افرادی را سر کار می‌آوردند؛ چون می‌گفتند اینها مؤمن به اصلاحات‌اند. آن اصلاحاتی که با معیار رضاخانی، با معیار امریکایی و با معیار فرهنگ غربی انجام بگیرد، اصلاحات نیست، افسادات است. بنده سه، چهار سال قبل، چند سخنرانی در نماز جمعه و غیر نماز جمعه در این‌باره کرده‌ام. اصلاحات باید ضابطه‌مند و مبتنی بر ارزشها و معیارها و خط‌کش‌های اسلامی و ایرانی باشد. معیار اصلاحات، قانون اساسی است؛ بر این اساس، باید ما اصلاحات کنیم؛ ما به اصلاحات احتیاج داریم. اصلاحات، تصحیح روشهای ماست؛ تصحیح هدفهای مرحله‌ای ماست؛ تصحیح تصمیم‌گیریهای ماست؛ تعصب نورزیدن روی تصمیم‌گیریها ناحق است. این، غیر از ساختارشکنی و مبارزهٔ با قانون اساسی، مبارزهٔ با اسلام و مبارزهٔ با استقلال یک کشور است.(۱۳۳)

پانوشتها:
۱۳۲ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۱۳۳ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.

روشن شدن ماشین جنگی صدام با پول مالیات دهندگان آمریکایی!

فریدمن [در کتاب «خانه عنکبوت»] به خوبی نشان می‌دهد که رونالد ریگان و جورج بوش چگونه از شعبه آتلانتای بانک ایتالیائی «لاوارو» توسط سپرده‌های مالیات دهندگان آمریکایی به منظور انتقال تکنولوژی نظامی به بغداد استفاده می‌کرده اند. همچنین وام‌های کلانی که به «دیکتاتوری محبوب» اهدا می‌شده، بدون نظارت حسابرسان مالی انجام می‌گرفته است. [۱]

در دوره وزارت جیمز بیکر در وزارت خزانه داری آمریکا، علی‌رغم افشای رسوایی شعبه آمریکایی بانک ایتالیایی لاوارو، سیاست همکاری ایالات متحده در قبال عراق نه تنها کاهش نیافت، بلکه گسترش نیز پیدا کرد. در پی این رسوایی، مشخص گردید که روابط غیرقانونی شعبه آمریکایی این بانک با عراق طی سالیان متمادی زیر نظر سازمان سیا صورت می‌گرفته است. [۲]

دقیقاً از همان آغاز رسوایی بانک لاوارو، زمانی که جورج بوش و جیمز بیکر با وجود شواهدی مبنی بر مشارکت عراق در این جریان، مصرانه خواستار تصویب کمک تکنولوژی و مالی آمریکا به صدام بودند، مسئله مشارکت ایتالیا در این ماجرا، موضوع حساس و مهمی بود. ایتالیا از هم پیمانان ناتو بود و برای حفظ روابط حسنه با واشنگتن آمادگی هر نوع اقدامی را داشت. [۳]

*** فریدمن در کتاب "خانه عنکبوت" به خوبی نشان می‌دهد که رونالد ریگان و جورج بوش چگونه از شعبه آتلانتای بانک ایتالیائی "لاوارو" توسط سپرده‌های مالیات دهندگان آمریکایی به منظور انتقال تکنولوژی نظامی به بغداد استفاده می‌کرده اند. همچنین وام‌های کلانی که به «دیکتاتوری محبوب» اهدا می‌شده، بدون نظارت حسابرسان مالی انجام می‌گرفته است.**

***

در پایان دهه ۱۳۶۰، آمریکا در مجموع ۵ میلیارد دلار وام را برای عراق تضمین کرده بود که این اقدام، صدام را به یکی از بزرگ‌ترین دریافت کنندگان کمک‌های رسمی آمریکا تبدیل کرده بود. شعبه آتلانتای بانک ایتالیایی لاوارو حدود یک میلیارد و ۸۹۰ میلیون دلار از این وامها را بطور سرّی پرداخت نموده بود. [۴]

ایالات متحده ابتدا تحت پوشش وام‌های کشاورزی و بعد هم از طریق شعبه آتلانتای بانک ملی ایتالیا (لاوارو)، پول و تجهیزات مهم نظامی را مخفیانه به عراق ارسال می‌کردند. [۵]

بنا بر گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) که عراقی‌ها بدون هیچ پیش شرطی حاضر به مذاکره با آمریکا شدند، دولت آمریکا برای تقویت عراق و جلوگیری از پیروزی ایران، اقدامات مختلفی را انجام داد از جمله ۱ - تخصیص حدود یک میلیارد دلار به صورت اعتبار غیرنقدی برای خرید محصولات کشاورزی ۲ - تصمیم بانک صادرات و واردات آمریکا برای ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ میلیارد دلار مبلغ مورد نیاز برای ساخت خط لوله نفتی بندر عقبه. [۶]

با توجه به حملات متقابل ایران ـ در جنگ نفتکش‌ها ـ به تأسیسات نفتی و نفتکش‌های عراق، توانایی صادرات نفت عراق به شدت کاهش یافته بود و آمریکا می‌دانست که این امر به توان جنگی عراق صدمه می‌زند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه آمریکا همواره می‌کوشید تا از جریان آزاد نفت به غرب حفاظت کند، طرحی را مبنی بر احداث خط لوله‌ای از طریق صحرای غربی به بندر عقبه در اردن ـ که دور از دسترس جنگنده‌های ایران بود ـ مطرح کرد. بانک صادرات و واردات آمریکا که اغلب با نام اگزیم بانک از آن یاد می‌شود، با دادن وام به عراق برای احداث این خط لوله موافقت کرد و آمریکایی‌ها نیز با استفاده از اهرم‌های سیاسی شان، عدم کارشکنی اسرائیل را در این خط لوله تضمین کردند. [۷]

شرکت آمریکایی «بکتل» که یکی از شرکت‌های ساختمانی ایالات متحده است، پروژه ساخت خط لوله نفتی عراق به بندر عقبه را با عراقی‌ها مورد مذاکره قرار داد. عراقی‌ها به این خط لوله به شدت احتیاج داشتند زیرا حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، خط لوله نفتی را که از طریق سوریه منتقل می‌شد در سال ۱۳۶۱ بسته بود. در آن هنگام شرکت بکتل وجهه سیاسی قدرتمندی داشت زیرا دو تن از مقامات اجرایی سابق آن یعنی «جورج شولتز» و «گاسپار واینبرگر» در دولت ریگان، وزارت امور خارجه و وزارت دفاع را بر عهده داشتند. دولت ریگان از این پروژه حمایت می‌کرد زیرا انجام این پروژه عراق را قادر می‌ساخت برای خرید اسلحه، ارز خارجی بیشتری به دست آورد. [۸]

موضوع فوق در عین حال نشان می‌دهد هر کمکی که آمریکا به دیکتاتورهای کشورهای مختلف جهان می‌کند، در پشت آن، منافع شخصی تعدادی از دولتمردان آمریکایی وجود دارد

منابع در دفتر روزنامه موجود است

روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

نقش فعال منافقین در فتنه ۸۸

مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

ماموریت عضو گروهک نفاق برای حضور فعال در اغتشاشات

رضا خادمی با نام مستعار حبیب فرزند عباس متهم است که به واسطه برقراری ارتباط با گروهک تروریستی منافقین علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران اقدام نموده است. متهم مزبور به صورت غیرقانونی از کشور خارج و با حضور در قرارگاه اشرف در عراق و گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی نظامی و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات به کشور بازگشته است.

از دیگر اتهامات وی جذب نیرو برای گروهک منافقین و اعزام آنها به عراق است. متهم همچنین در دوران انتخابات اقدامات تبلیغی متعددی به نفع منافقین از جمله هوا کردن بالن با عکس سرکردگان گروهک منافقین و نصب تراکت و بیانیه در تهران نموده است. وی با ناصر عبدالحسینی، محمد نوری و حسین شیرمحمدی از دیگر اعضای منافقین در ارتباط بوده است و اقدام به جمع‌آوری پنهان اخبار و گزارش‌های مربوط به اغتشاشات پس از انتخابات و حضور فعال در تجمعات غیرقانونی نموده است.

دستگیری عضو گروهک نفاق هنگام پرتاب کوکتل مولوتف به سمت نیروهای انتظامی

خانم عذرا سادات قاضی میرسعید فرزند حسن دارای سابقه محکومیت کیفری و عضویت در سازمان منافقین است. اتهام وی محاربه و افساد فی الارض از طریق تلاش و فعالیت موثر در راستای پیشبرد اهداف گروهک تروریستی منافقین و همکاری با این سازمان است. دستگیری متهمه در صحنه ارتکاب جرم و پس از شناسایی وی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی اغتشاش توسط مامورین امنیتی حین پرتاب کوکتل مولوتف صورت گرفته است. متهمه در سال ۸۳ در بمب‌گذاری تهران مشارکت داشته و در انتخابات اخیر اقدام به توزیع اعلامیه به نفع گروهک تروریستی منافقین و جمع‌آوری و ارائه اخبار و اطلاعات به این گروهک کرده است. سوابق سیاسی و حزبی متهمه از جمله اقرار وی به عضویت در سازمان منافقین در سال ۱۳۷۹ و فعالیت‌های وسیع متهمه در جهت اهداف سازمان مورد اشاره محرز است.

حضور عضو گروهک نفاق در ستاد آقای کروبی و جمع‌آوری اطلاعات برای منافقین

ناصح فریدی فرزند محمد، از طریق تلفن و اینترنت با گروهک منافقین وصل می‌شود وسپس با شرکت فعال در تجمعات دانشجویی و صنفی، اقدام به تهیه و ارسال عکس و فیلم و اخبار به گروهک نفاق می‌کند. متهم مزبور همچنین ماموریت داشته است اخبار و اطلاعات زندانیان گروهک نفاق را پیگیری واین اطلاعات را به خانواده‌های آنان و گروهک منافقین ارسال نماید.

وی با حضور در اغتشاشات و تشویق دانشجویان به حضور در تجمعات غیرقانونی، اطلاعات این تجمعات و آشوب‌ها را برای منافقین ارسال می‌کرده است. متهم ضمن ارتباط‌گیری با خانواده زندانیان و مصاحبه با آنان، نوارهای مصاحبه را برای سیمای آزادی، صدای آمریکا، رادیو فردا و... ارسال کرده است. وی هم‌چنین خانواده شبنم مددزاده از اعضای گروهک را به سرپل منافقین وصل نموده است. متهم مزبور درستاد انتخاباتی آقای کروبی حضور داشته است.

دستگیری اعضای گروهک نفاق در جلسه سامان‌دهی آشوب‌ها

آقای امیر حسین فتوحی فرزند حسن، از عناصر فعال گروهک منافقین است که در اغتشاشات اخیر نقش موثری داشته و در جلسه تشکیلاتی گروهک دستگیر شده است.

آقای مهدی شیرازی فرزند احمد از دیگر اعضای گروهک تروریستی منافقین است که در جلسه سازمان‌دهی اعضای گروهک منافقین جهت دامن زدن به آشوب‌ها و اغتشاشات دستگیر شده است.

همکاری و ارتباط با اعضای گروهک منافقین در اغتشاشات اخیر

آقای حسام سلامت فرزند محمد، متهم به همکاری و ارتباط داشتن با ضیاء نبوی چاشمی از عناصر مرتبط با گروهک منافقین در داخل کشور است. وی همچنین ارتباط نزدیکی با شورای محرومین از تحصیل دارد که این شورا تحت نفوذ و هدایت منافقین می‌باشد. متهم مزبور از فعالین و محرکین شرکت در تجمعات غیرقانونی پس از انتخابات ریاست جمهوری بوده است و اخبار و گزارش‌های مربوط به اغتشاشات را از طریق مجید دری که از سرپل‌های منافقین در داخل است، برای رسانه‌های بیگانه و منافقین ارسال کرده است.

اقدامات یک شبکه تروریستی وابسته به سرویس‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری

یکی از اعضای شبکه تروریستی مذکور به نام محمدرضا علی‌زمانی فرزند اسماعیل می‌باشد که دارای سابقه محکومیت کیفری در جرایم کلاهبرداری، جعل مهرهای سپاه، دادگستری و قوه قضائیه است. فرد متهم به همراه حامد روحی‌نژاد و احمد کریمی در اسفند ۱۳۸۵ به عراق سفر می‌کنند و از این تاریخ ارتباط سازمان یافته‌ای را با نیروهای آمریکایی و اسرائیلی برقرار می‌نمایند. متهمان جلسات متعددی را در دهوک اربیل، منطقه ربیعه در مرز سوریه و سلیمانیه با مقامات آمریکایی برقرار می‌نمایند و با دریافت پول از آنان، جهت ادامه ماموریت خود به تهران بازمی‌گردند. ترور یکی از مسئولان شهر پاوه، جمع‌آوری اطلاعات مربوط به نیروهای بسیجی در تهران، دامن زدن به تجمعات کارگری، تهیه بمب‌های قوی آتش‌زا، مشخص کردن اماکن سیاسی و مذهبی برای ایجاد انفجار، جمع‌آوری اطلاعات درباره ساختار و سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نحوه قاچاق سلاح به کردستان عراق، جمع‌آوری اطلاعات از پادگان امام حسین(ع)، انجام عملیات تروریستی در جریان برگزاری نماز عید فطر در مصلای تهران و همکاری اطلاعاتی جهت انفجار در برخی مراکز مذهبی در فروردین ۱۳۸۷ از مهم‌ترین ماموریت‌های محوله به متهم و تیم همراه وی بوده است. طراحی بمب‌گذاری در حوزه‌های رای‌گیری و اقدام علیه امنیت ملی و دامن زدن به آشوب و اغتشاش از دیگر ماموریت‌های متهم بود که قبل از هرگونه اقدامی توسط نیروهای امنیتی دستگیر و گرفتار شده است.

همکاری با نیروهای آمریکایی جهت به اغتشاش کشیدن کشور

همکاری با نیروهای آمریکایی جهت به اغتشاش کشیدن کشور، طرح بمب‌گذاری در حوزه‌های رای‌گیری، تلاش برای به قدرت رساندن گروهک نهضت آزادی، ارتباط با شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه و ارسال اطلاعات و عکس جهت تهییج آشوب‌گران از دیگر اتهامات متهمان کودتای مخملی اعلام شد.

آقای احمد کریمی فرزند محمود عضو دیگری از شبکه تروریستی وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی است که به همراه دو متهم دیگر یعنی حامد روحی‌نژاد و محمدرضا علی‌زمانی برای دیدار، توجیه و دریافت ماموریت از مقامات آمریکایی واسرائیلی به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده به سلیمانیه عراق می‌روند. متهم نامبرده در جریان ملاقات و تماس با افسران اطلاعاتی آمریکا و برقراری جلسات متعدد، آمادگی خود را برای هر گونه اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌نماید. متهم و تیم همراه پس از دریافت پشتیبانی‌های لازم از جمله پول و تجهیزات مخابراتی، جهت انجام عملیات بمب‌گذاری و تروریستی در اماکن دولتی، مذهبی، جمع‌آوری اطلاعات از مراکز نظامی به‌ویژه سپاه و بسیج و تهیه چارت سازمانی نیروهای مسلح وارد کشور می‌شوند. متهم نامبرده به همراه دیگر اعضای شبکه، پروژه‌های مختلفی را جهت ایجاد آشوب و ناامنی در کشور در برهه برگزاری انتخابات دهم و پس از آن تدارک دیده بودند که قبل از موفقیت در انجام انفجار و عملیات‌های تروریستی دستگیر شدند.

ورود به صحنه آشوب‌های پس از انتخابات

حامد روحی‌نژاد یکی دیگر از اعضای این شبکه تروریستی حدود یک سال و نیم در عراق اقامت داشته است. وی در اواخر سال گذشته از سوی افسر آمریکایی رابط اطلاعاتی خود ماموریت پیدا می‌کند که به تهران آمده از طریق بمب‌گذاری و ترور صحنه انتخابات ایران را ناامن و به آشوب بکشد که قبل از موفقیت در عملیات مذکور، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و در این پرونده بازداشت می‌باشد.

طرح بمب‌گذاری در حوزه‌های رای‌گیری انتخابات ریاست‌جمهوری

امیررضا عارفی فرزند احمد عضو دیگر این شبکه از طریق ارتباط با فردی به نام فرود فولادوند با سرویس اطلاعاتی آمریکا مرتبط بوده است. نامبرده به همراه یکی دیگر از متهمان اقدام به ساخت بمب قوی آتش‌زا می‌نماید و در چند مرحله شدت انفجار آن را در بیابان‌های اطراف تهران آزمایش می‌کند. نامبردگان با تهیه فیلمی از این آزمایشات و ارسال آن به آمریکا، طرح‌های خود را برای انفجار در امامزاده زید (علیه‌السلام) بازار، امامزاده علی‌اکبر(علیه‌السلام) چیذر، حسینیه فاطمیون در خیابان مجاهدین اسلام، نصب بمب روی تانکر انتقال بنزین و برخورد آن با پمپ بنزین مقابل مجلس شورای اسلامی، بمب‌گذاری در حسینیه شهرک ولی‌عصر(عج) و مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) اعلام می‌کنند.

با تایید این طرح از افسران رابط، متهم نامبرده اقدام به طراحی ساخت بمب‌های قوی برای کار گذاشتن در حوزه رای‌گیری حسینیه ارشاد و مسجدالنبی(ص) نارمک می‌نماید تا در روز انتخابات با انفجار آن، ضمن کشته و مجروح کردن صدها رای‌دهنده، روند برگزاری انتخابات را دچار اشکال نمایند که در نهایت پیش از هر اقدامی، متهم و تیم همراه وی توسط نیروهای گمنام آقا امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بازداشت می‌شوند.

تلاش برای تضعیف نظام اسلامی و به قدرت رساندن گروهک نهضت آزادی آقای عماد بهاور فرزند محمدحسین، مسئول شاخه جوانان گروهک نهضت آزادی و عضو دفتر سیاسی گروه است. نامبرده از سوی نهضت آزادی ماموریت پیدا می‌کند تا به صورت نفوذی از سوی نهضت آزادی در ستاد ۸۸ و کمپین دعوت از موسوی فعال شود و خطوط نهضتی‌ها را به این ستاد منتقل نماید. از جمله اقدامات وی تشکیل ستاد جوانان آقای موسوی در ستاد قیطریه، برگزاری همایش‌های سه‌گانه موج سوم، سازمان‌دهی ستاد ۸۸ در استان‌ها و هماهنگ نمودن نهضتی‌ها در استان‌ها با این ستادها و انتشار و توزیع جزوات انتخاباتی است.

دیدار اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی به همراه امیر خرم از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی با قربان بهزادیان‌نژاد مسئول ستاد انتخاباتی آقای موسوی در راستای همکاری و هماهنگی نهضتی‌ها با ستاد موسوی، با هماهنگی متهم مزبور صورت گرفته است. وی در راستای کار تبلیغی هماهنگ و در یک اقدام تشکیلاتی اقدام به تهیه فیلم تبلیغاتی در حمایت از موسوی وکروبی با آرم نهضت آزادی می‌کند. این فیلم‌ها در تیراژ بالا و حمایت مالی فردی ناشناس منتشر و توزیع می‌شود.

متهم مزبور با اظهارات کذب و با درج مقالات و مصاحبه‌هایی در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری اقدام به سیاه‌نمایی از اوضاع جاری کشور، تخریب اقدامات نظام، تشویش اذهان عمومی، ایراد افترا به مسئولان برگزارکننده انتخابات و گسترش فضای یأس و نومیدی در جامعه از طریق تکرار ادعاهای واهی در خصوص عملکرد نظام نموده است. وی همچنین نقش فعالی در راه‌اندازی تلویزیونی اینترنتی موج در ستاد قیطریه در ایام انتخابات داشته است. وی علل و انگیزه‌های خود را از این فعالیت‌ها، ترویج افکار سکولاریستی و تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به قدرت رساندن گروهک نهضت آزادی عنوان کرده است.

ارتباط با شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه و ارسال اطلاعات و عکس جهت تهییج آشوبگران

ارسال خبر، گزارش، عکس و فیلم از صحنه‌های آشوب و اغتشاش به رسانه‌های بیگانه از دیگر اتهام بازداشت‌شدگان حوادث اخیر است. این افراد با ارسال اخبار و تصاویر آشوب‌های خیابانی به شبکه‌های تلویزیونی و خبری، نقشی مهم در تحریک و تهییج افکار عمومی به ویژه ایرانیان مقیم خارج کشور علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. متهمان ابراز داشته‌اند با دریافت پول از رسانه‌های خارجی، اقدام به تشکیل خانه‌های تیمی و مجردی کرده‌اند و از طریق اینترنت پرسرعت اقدام به ارسال عکس و فیلم نموده‌اند.

در تصاویر و فیلم‌های ارسال شده، چهره‌های آشوب‌زده و بحرانی از کشور ارائه شده و بینندگان تصور می‌کنند آشوبگران، مردم ایران هستند که در اعتراض به نتایج انتخابات به خیابان‌ها آمده‌اند.

مجید سعیدی فرزند ناصر، یکی از عکاسان بازداشت شده می‌گوید: «بنده در تجمعات غیرقانونی میدان انقلاب، میدان آزادی، میدان هفت‌تیر، میدان ولی‌عصر(عج) و میدان بهارستان اقدام به گرفتن عکس از تجمعات غیرقانونی کردم و سپس این تصاویر را از طریق خانه‌ای تجهیز شده در حوالی میدان هفت‌تیر به گروهک ضد انقلابی مرز پرگهر در آمریکا، آژانس گیتی ایمیج در انگلستان و دفتر سیپا در فرانسه ارسال کردم. ضمنا نامبرده اعتراف کرده است طبق قراردادی که با مؤسسه گیتی ایمیج داشته، قرار بوده در قبال ارسال تصاویر اغتشاشات روزانه ۲۲۵ دلار دریافت نماید. عکاس نامبرده هیچگونه مجوزی برای عکاسی از اغتشاشات نداشته و با عناصر خارج کشور همکاری داشته است.

یکی دیگر از متهمان «ساتیار امامی» فرزند عبدالصمد، در تشریح اقدامات ضدامنیتی خود می‌گوید:«به درخواست آلفرد یعقوب‌زاده از عکاسان دفتر سیپا فرانسه، در تجمع غیرقانونی ۱۸ تیر در میدان انقلاب شرکت کرده عکس‌های این تجمع را همان شب به فرانسه ارسال کردم و روز بعد این عکس‌ها در نشریات ضدانقلاب و سایت‌های خبری ضدانقلاب به منظور تهییج گروه‌های آشوبگر علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام منتشر گردید.» تهیه تصاویر از مراکز نظامی و هسته‌ای کشور و ارسال آن به خارج کشور از دیگر موارد اتهامی ساتیار امامی است که در این باره می‌گوید: «در قبال ۱۰۰۰ یورویی که از آلفرد یعقوب‌زاده دریافت کردم، اقدام به ارسال تصاویری از نیروگاه اتمی بوشهر به فرانسه نمودم».

مازیار بهاری از دیگر متهمان دستگیر شده، در اعترافات خود می‌گوید: «در جریان آشوب‌های پس از انتخابات، دو مقاله برای مجله نیوزویک به رشته تحریر درآوردم و در آن به دفاع از آشوب‌گران و حمله به نظام اسلامی پرداختم. برای فعالیت خود در نیوزویک روزانه ۲۰۰ دلار دریافت می‌کردم. همچنین پس از ارسال فیلم حمله به پایگاه بسیج در خیابان محمدعلی جناح، مسئولان شبکه ۴ انگلیس متعهد شدند به‌خاطر ارسال این فیلم دو دقیقه‌ای، ۲۱۰۰ پوند به بنده پرداخت نمایند».

همچنین محمد رسولی فرزند حسین، که در تجمع غیرقانونی میدان آزادی و در حین فیلم‌برداری از اغتشاشات دستگیر شده است، می‌گوید: «در تجمعات پس از انتخابات به صورت فعال شرکت می‌کردم. یکی از مهم‌ترین اهداف من برای شرکت در این تجمعات، تهیه فیلم از اغتشاشات و ارائه به شبکه‌های ماهواره‌ای از جمله بی‌بی‌سی بود که در چند مورد فیلم‌های ارسالی‌ام از بی‌بی‌سی پخش گردید».

شرکت در تجمعات غیرقانونی همراه با سلاح سرد و آلات مجرمانه

علی‌رضا اشراقی فرزند محمدجواد که در حین تحریق و تخریب بانک‌ها و اماکن دولتی در خیابان کریم‌خان زند توسط ماموران امنیتی و انتظامی دستگیر شده، در اعترافات خود می‌گوید: «در تمامی تجمعاتی که پس از انتخابات برگزار شد، با قمه و سلاح سرد حضور داشتم. در روزهای اولیه آشوب‌ها، تصمیم گرفتم سلاحی بسازم که بتوانم دوربین بانک‌ها و اماکن دولتی را تخریب کند و البته در این کار هم موفق بودم و با ساخت تیر و کمان دست‌سازی که تیرهای آن از میخ‌های پاشنه کفش بود، اقدام به ضرب و جرح مامورین و تخریب دوربین‌های مدار بسته بانک‌ها و اماکن دولتی می‌کردم.»

**اقدام علیه امنیت کشور از طریق آشوب اجتماعی و تبانی